

نقش عوام و خواص در حادثه عاشورا

علی خامنه ای



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

نقش عوام و خواص در حادثه عاشورا

نویسنده:

علی خامنه ای

ناشر چاپی:

موسسه فرهنگی تبیان

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	نقش عوام و خواص در حادثه عاشورا
۶	مشخصات کتاب
۶	بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با نیروهای مقاومت بسیج
۶	درس های عاشورا
۷	عبرت های عاشورا
۸	پیام فوری عاشورا
۸	حفظ آرمان ها، ارزش ها و معیارهای الهی
۹	انقلاب ما، انقلاب ارزش ها بود
۱۰	تفاوت سازندگی با مادی گرایی
۱۰	شیبختون فرهنگی دشمن
۱۱	همه باید امر به معروف و نهی از منکر بکنند
۱۱	حضور نیروهای حزب اللهی و بسیجی در صحنه
۱۲	پاورقی
۱۲	درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

نقش عوام و خواص در حادثه عاشورا

مشخصات کتاب

عنوان: نقش عوام و خواص در حادثه عاشورا

پدیدآورندگان: علی خامنه‌ای (پدیدآور)

نوع: متن

جنس: کتاب

الکترونیکی

زبان: فارسی

صاحب محتوا: موسسه فرهنگی و اطلاع رسانی تبیان

توصیفگر: معرفت عوام

نقش اجتماعی

وضعیت نشر: قم: مؤسسه فرهنگی و اطلاع رسانی تبیان، ۱۳۸۷

ویرایش: -

خلاصه:

مخاطب:

یادداشت: ، ملزومات سیستم: ویندوز ۹۸+؛ با پشتیبانی متون عربی؛ +IE۶ شیوه دسترسی: شبکه جهانی وبعنوان از روی صفحه

نمایش عنوان داده های الکترونیکی

شناسه: oai.tebyan.net/۳۸۴۴

تاریخ ایجاد رکورد: ۱۳۸۷/۱۱/۳

تاریخ تغییر رکورد: ۱۳۸۷/۱۱/۳

تاریخ ثبت: ۱۳۸۹/۶/۲۸

قیمت شیء دیجیتال: رایگان

بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با نیروهای مقاومت بسیج

بسم الله الرحمن الرحیم دیدار، دیداری است بسیار مناسب و در وقت مناسبی هم هست. ایام، ایام عاشورای حسینی است و شما برادران و خواهران هم از عاشورایی ها و حسینی ها هستید. بسیج بیست میلیونی انقلاب اسلامی ثابت کرده که در صراط حسین بن علی و عاشورا قدم بر می دارد. آن چه که من امروز عرض خواهم کرد مربوط به همین قضیه عاشورا است. با وجود این همه سخن که درباره حادثه عاشورا گفته اند و گفته ایم و شنیده ایم، ولی باز هم جای سخن و تأمل و تدبّر و عبرت گیری نسبت به این حادثه باقی است. این حادثه عظیم از دو جهت مورد توجه قرار می گیرد و بنده می خواهم امروز بیش تر جهت دوم را مورد توجه قرار بدهم.

درس های عاشورا

جهت اول، درس های عاشورا است. عاشورا پیام ها و درس هایی دارد. عاشورا به ما درس می دهد که برای حفظ دین باید فداکاری کرد. درس می دهد که در راه قرآن باید از همه چیز گذشت. درس می دهد که در میدان نبرد حق و باطل، همه افراد اعم از کوچک و بزرگ، زن و مرد، پیر و جوان، شریف و وضع و امام و رعیت با هم در یک صف قرار می گیرند. درس می دهد که جبهه دشمن با همه توانایی های ظاهری بسیار آسیب پذیر است. همچنان که جبهه بنی امیه به وسیله کاروان اسیران عاشورا در کوفه آسیب دید، در شام آسیب دید، در مدینه آسیب دید و بالأخره هم نهضت عاشورا به فناء جبهه سفیانی منتهی شد. عاشورا به ما درس می دهد که در ماجرای دفاع از دین، بصیرت بیش از چیزهای دیگر برای انسان لازم است. بی بصیرت ها بدون این که بدانند، فریب می خورند و در جبهه باطل قرار می گیرند چنان که در جبهه ابن زیاد کسانی بودند که فُشاق و فُجّار بودند ولی از بی بصیرت ها بودند. این ها درس های عاشورا است. البته همین درس ها کافی است که یک ملت را از ذلت به عزت برساند. همین درس ها می تواند جبهه کفر و استکبار را شکست بدهد. این ها درس های زندگی ساز است. این، آن جهت اول است.

عبرت های عاشورا

جهت دوم از جهات مربوط به حادثه عاشورا، عبرت های عاشورا است. عاشورا غیر از درس، یک صحنه عبرت است. انسان باید در این صحنه نگاه کند تا عبرت بگیرد. عبرت بگیرد یعنی چه؟ یعنی خود را با آن وضعیت مقایسه کند و بفهمد در چه حال و وضعی قرار دارد. چه چیزی او را تهدید می کند و چه چیزی برای او لازم است. این را عبرت می گویند. مثلاً هنگامی که شما از جاده ای عبور می کنید و اتومبیلی را می بینید که واژگون شده یا تصادف کرده و آسیب دیده و مُچاله شده و سرنشینانش نابود شدند، می ایستید و به آن صحنه نگاه می کنید، چرا؟ برای این که عبرت بگیرید. برای این که بر شما معلوم بشود که چه جور سرعت و حرکت و چه جور رانندگی به این وضعیت منتهی می شود. این هم نوع دیگری از درس است اما درس از راه عبرت گیری. حال می خواهیم این را یک قدری بیش تر بررسی کنیم. اولین عبرتی که در قضیه عاشورا ما را متوجه خود می کند این است که بینیم چه شد که پنجاه سال بعد از درگذشت پیغمبر جامعه اسلامی به آن حد رسید که کسی مثل امام حسین (ع) ناچار شد برای نجات جامعه این چنین فداکاری بکند. یک وقت این فداکاری بعد از گذشت هزار سال از صدر اسلام است یا یک وقت در قلب کشورها و ملت های مخالف و معاند با اسلام است، این یک حرفی است اما این که حسین بن علی (ع) در مرکز اسلام، در مدینه و مکه (مرکز وحی نبوی) با وضعیتی مواجه شود به طوری که هر چه نگاه کند ببیند چاره ای جز فداکاری نیست (آن هم فداکاری خونین و با عظمتی)، این قابل تأمل است. مگر چه وضعی بود که حسین بن علی (ع) احساس کرد که اسلام فقط با فداکاری او زنده می ماند و از دست می رود؟ عبرت این جاست، ما باید نگاه کنیم و ببینیم که چه شد که فردی مثل یزید بر جامعه اسلامی حاکم شد؟ جامعه اسلامی که رهبر و پیغمبرش در مکه و مدینه پرچم ها را می داد دست مسلمان ها و آن ها می رفتند تا اقصا نقاط جزیره العرب و مرزهای شام، امپراتوری روم را تهدید می کردند و سربازان دشمن نیز از مقابلشان فرار می کردند و مسلمین پیروزمندانه برمی گشتند (مثل ماجرای تبوک) و جامعه اسلامی که در مسجد و معبر آن، صوت تلاوت قرآن بلند بود و شخصیتی مثل پیغمبر با آن لحن و نَفَس، آیات خدا را بر مردم می خواند و مردم را موعظه می کرد و آن ها را در جاده هدایت با سرعت پیش می برد. چطور شد که همین جامعه، همین کشور و همین شهرها آن قدر از اسلام دور شدند تا کسی مثل یزید بر آن ها حکومت کرد؟ چرا باید وضعی پیش بیاید که کسی مثل حسین بن علی (ع) ببیند چاره ای ندارد جز این فداکاری عظیم، که در تاریخ بی نظیر است. چه شد که آن ها به این جا رسیدند؟ این همان عبرت است. ما باید این را امروز مورد توجه دقیق قرار بدهیم. ما امروز یک جامعه اسلامی هستیم. باید بینیم آن جامعه اسلامی چه آفتی پیدا کرد که کارش به یزید رسید. چه شد که بیست سال بعد از شهادت امیرالمؤمنین (ع) در همان شهری که ایشان حکومت می کرد سرهای پسران امیرالمؤمنین (ع) را بر نیزه کردند و در آن شهر

گردانند! کوفه همان جایی است که امیرالمؤمنین (ع) توی بازارهای آن راه می رفت، تازیانه بر دوش می انداخت و مردم را امر به معروف و نهی از منکر می کرد. فریاد تلاوت قرآن در آناء اللیل و اطراف النهار، از مسجد و تشکیلات آن بلند بود. این همان شهر است که حالا- دخترها و حرم امیرالمؤمنین (ع) را به اسارت در بازار آن می گردانند. چه شد که ظرف بیست سال به این جا رسیدند؟ جواب، این است: رسیدند که یک بیماری وجود دارد که می تواند جامعه ای که در رأس آن کسی مثل پیغمبر اسلام و امیرالمؤمنین (ع) بوده است را در ظرف چند ده سال به آن وضعیت برساند. پس این یک بیماری خطرناکی است و ما هم باید از این بیماری بترسیم. امام بزرگوار ما اگر خود را شاگردی از شاگردان پیغمبر محسوب می کرد، سرفخر به آسمان می سود. افتخار امام ما کجا و پیغمبر کجا؟ جامعه ای را که پیغمبر ساخته بود، بعد از مدت چند سال به آن وضع دچار شد و لذا جامعه ما خیلی باید مواظب باشد که به آن بیماری دچار نشود. عبرت این جاست. ما باید آن بیماری را بشناسیم و آن را یک خطر بزرگ بدانیم و از آن اجتناب کنیم.

پیام فوری عاشورا

به نظر من امروز پیام عاشورا از دیگر درس ها و پیام های عاشورا برای ما فوری تر است. ما باید بفهمیم چه بلایی بر سر آن جامعه آمده که سر حسین بن علی (ع)، آقا زاده اول دنیای اسلام و پسر خلیفه مسلمین علی بن ابی طالب (ع)، در همان شهری که پدر او بر مسند خلافت می نشسته است گردانده شد و آب از آب هم تکان نخورد. ببینیم چگونه از همان شهر افرادی آمدند به کربلا و او و اصحابش را با لب تشنه به شهادت رساندند و حرم امیرالمؤمنین (ع) را به اسارت گرفتند. حرف در این زمینه زیاد است. من در پاسخ به این سؤال یک آیه از قرآن را مطرح می کنم. قرآن جواب ما را داده است. قرآن درد و بیماری را به مسلمین معرفی می کند. آن آیه این است که می فرماید: (فَخَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ أَضَاعُوا الصَّلَاةَ وَاتَّبَعُوا الشَّهْوَاتِ فَسُوفَ يَلْقَوْنَ غَيًّا). دو عامل، عامل اصلی این گمراهی و انحراف عمومی است: یکی دور شدن از ذکر خدا که مظهر آن صلوة و نماز است. یعنی فراموش کردن خدا و معنویت و جدا کردن حساب معنویت از زندگی و فراموش کردن توجه و ذکر و دعا و توسل و توفیق از خدای متعال و توکل بر خدا و کنار گذاشتن محاسبات خدایی از زندگی، و عامل دوم (اتبعوا الشهوات) است یعنی دنبال شهوترانی ها و هوس ها و در یک جمله (دنیا طلبی) رفتن و به فکر جمع آوری ثروت و مال بودن و التذاذ و به دام شهوات دنیا افتادن و اصل دانستن این ها و فراموش کردن آرمان ها. این درد اساسی و بزرگ است و ما هم ممکن است به این درد دچار بشویم.

حفظ آرمان ها، ارزش ها و معیارهای الهی

اگر در جامعه اسلامی ما آن حالت آرمان خواهی از بین برود یا ضعیف بشود و هر کسی به فکر این باشد که کلاه خودمان را از معرکه به در ببریم تا در دنیایمان از دیگران عقب نیفتیم، دیگری جمع کرده است و ما هم برویم جمع کنیم و خود و مصالح خود را بر مصالح جامعه ترجیح بدهیم، معلوم است که وضع به این جا خواهد رسید. نظام اسلامی با ایمان ها، با همت های بلند، با مطرح شدن و اهمیت دادن و زنده نگه داشتن شعارها به وجود می آید و حفظ می شود و پیش می رود. معلوم است کم رنگ شدن شعارها، بی اعتنایی به اصول اسلام و انقلاب و همه چیز را با محاسبات مادی فهمیدن و مطرح کردن، جامعه را به آن جا پیش خواهد برد که به چنان وضعی برسد. به همین دلیل آن ها به آن وضع دچار شدند. یک روز برای مسلمین پیشرفت اسلام و رضای خدا و تعلیم دین و معارف اسلامی و آشنایی با قرآن و معارف آن مطرح بود، دستگاه حکومت و اداره کشور، دستگاه زهد و تقوا و بی اعتنایی به زخارف دنیا و شهوات شخصی بود، نتیجه آن هم حرکت عظیمی بود که مردم به سمت خدا کردند. در چنان وضعیتی کسی مثل علی بن ابی طالب (ع)، خلیفه مسلمین و کسی مثل حسین بن علی (ع)، شخصیت برجسته می شود. چرا که

معیارها در وجود این‌ها بیش از دیگران است. وقتی معیار خدا، تقوا، بی‌اعتنایی به دنیا و مجاهدت در راه خدا باشد کسانی به صحنه عمل می‌آیند که این معیارها را دارند. این‌ها سر رشته کارها را به دست می‌گیرند و جامعه، جامعه‌ای اسلامی خواهد بود. اما وقتی که معیارهای خدایی عوض بشود، هرکسی که دنیا طلب تر، شهوتران تر و برای به دست آوردن منافع شخصی زرننگ تر و با صدق و راستی بیگانه تر است، سرکار می‌آید. آن وقت نتیجه این می‌شود که امثال عمر بن سعد و شمر و عبیدالله بن زیاد می‌شوند رؤسا و مثل حسین بن علی (ع) به مذبیح می‌رود و در کربلا به شهادت می‌رسد. این یک حساب دو دو تا چهارتا است. کسانی که دلسوزند نباید بگذارند معیارهای الهی در جامعه عوض بشود. اگر معیار تقوا در جامعه عوض شد معلوم است که باید خون یک انسان با تقوایی مثل حسین بن علی (ع) ریخته شود. اگر زرنگی و دست و پا داری در کار دنیا و پشت سر هم اندازی و دروغگویی و بی‌اعتنایی به ارزش‌های اسلامی ملاک قرار گرفت، معلوم است که کسی مثل یزید باید در رأس کار قرار بگیرد و کسی مثل عبیدالله باید شخص اول کشور عراق بشود.

انقلاب ما، انقلاب ارزش‌ها بود

همه کار اسلام این بود که این معیارها را عوض کند. همه کار انقلاب ما هم همین بود که در مقابل معیارهای باطل و غلط مادی جهانی بایستد و آن‌ها را عوض کند. دنیای امروز، دنیای دروغ، زور، شهوترانی و دنیای ترجیح ارزش‌های مادی بر ارزش‌های معنوی است. دنیا این است. مخصوص امروز هم نیست. قرن‌هاست که معنویت در دنیا رو به افول و ضعف بوده است. قدرتمندها تلاش کردند معنویت را از بین ببرند. صاحبان قدرت، پول پرست‌ها و سرمایه دارها یک نظام و بساط مادی در دنیا چیدند که در رأس آن قدرتی مثل قدرت آمریکاست که از همه دروغگوتر، فریبگرتتر، بی‌اعتناتر نسبت به فضایل انسانی و بی‌رحم‌تر نسبت به انسان‌هاست. چنین قدرتی در رأس است و دوستان او هم در مراتب بعد قرار می‌گیرند. این وضع دنیاست. انقلاب اسلامی یعنی زنده کردن دوباره اسلام. (إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقِيكُمْ) [۱] و انقلاب آمد تا این بساط و این تربیت غلط جهانی را بشکند و یک تربیت جدیدی درست کند. اگر تربیت جهان، تربیت مادی باشد، معلوم است که افرادی شهوتران، فاسد، رو سیاه و گمراه مثل محمد رضا باید در رأس کار باشند و یک انسان با فضیلت و منور مثل امام بایستی یا در زندان یا در تبعید باشد. در چنان وضعیتی در جامعه جای امام نیست. وقتی زور، فساد، دروغ و بی‌فضیلتی حاکم است، آن کسی که دارای فضیلت، صدق، نور، عرفان و توجه به خداست جایش یا زندان‌هاست و یا در مقتل و مذبیح و گودال قتلگاه است. وقتی کسی مثل امام بر سر کار آمد یعنی ورق برگشت. شهوترانی، دنیا طلبی و وابستگی و فساد در انزوا رفت و تقوا، زهد، صفا و نورانیت، جهاد، دلسوزی برای انسان‌ها، رحم و مروت و برادری و ایثار و از خود گذشتگی روی کار آمد. امام که روی کار می‌آید یعنی این خصلت‌ها و این فضیلت‌ها روی کار می‌آید. این ارزش‌ها مطرح می‌شود. اگر این ارزش‌ها را نگه داشتید نظام امامت باقی می‌ماند. آن وقت امثال حسین بن علی (ع) دیگر به مذبیح برده نمی‌شوند. اما اگر این‌ها را از دست دادیم چه؟ اگر روحیه بسیجی را از دست دادیم چه؟ اگر به جای توجه به تکلیف و وظیفه و آرمان الهی به فکر تجملات شخصی خودمان افتادیم چه؟ اگر جوان بسیجی، مؤمن و با اخلاص را که هیچ چیز نمی‌خواهد جز میدانی برای مجاهدت در راه خدا، در انزوا قرار دادیم و یک آدم پُررو، افزون‌خواه، پرتوقع و بی‌صفای بی‌معنویت را مسلط کردیم چه؟ در این صورت همه چیز دگرگون خواهد شد. اگر بین رحلت نبی اکرم و شهادت جگر گوشه‌اش در صدر اسلام پنجاه سال فاصله بود، ممکن است در روزگار ما این فاصله خیلی کم‌تر بشود و فضیلت‌ها و صاحبان فضایل زودتر به مذبیح بروند. نباید بگذاریم چنین چیزی پیش بیاید. باید در مقابل انحرافی که ممکن است دشمن بر ما تحمیل بکند، بایستیم. عبرت‌گیری از عاشورا این است. نگذاریم روح انقلاب و فرزندان انقلاب در جامعه منزوی بشوند.

تفاوت سازندگی با مادی گرایی

عده ای مسایل را اشتباه گرفته اند. البته بحمدالله امروز مسؤولین ما دلسوز و علاقه مندند و رییس جمهوری انقلابی و مؤمن بر سر کار است و می خواهند کشور را بسازند. یک عده ای سازندگی را با مادی گرایی اشتباه گرفته اند. سازندگی چیزی و مادیگری چیز دیگری است. سازندگی یعنی این که کشور آباد بشود و طبقات محروم به نوایی برسند. برادران و خواهران، سال های سال این کشور را ویران کرده اند و بعد از انقلاب هم به مدت هشت سال به وسیله مهاجمین خارجی همان کارها را ادامه دادند. آیا این شوخی است؟ کشور باید ساخته شود و سازندگی تلاش لازم دارد. از پایان جنگ تا به امروز هنوز سه سال و اندی بیش تر نمی گذرد. از پایان جنگ تا امروز چیزی نگذشته است. اگر یک بمب درجایی بیفتد در یک لحظه همه چیز را ویران می کند اما ساختن همان ویرانه مدت ها طول می کشد. یک ساختمان، خانه و عمارت دو یا سه طبقه ای در یک لحظه منفجر می شود، اما در یک لحظه ساخته نمی شود. یک کشور را هشت سال ویران کردند. مگر این شوخی است؟ قبل از انقلاب خاندان منحوس پهلوی (که لعنت خدا بر آن ها و بر کارگزاران و دستیارانشان و لعنت بر خانواده قاجار و دستیارانشان باد) سال های متمادی این مملکت را ویران کردند. بعد که انقلاب آمد کشور را بسازد مگر دشمنان توانستند تحمل بکنند؟ امروز در آمریکا دارند اسناد همکاری آمریکا با عراق در جنگ را افشا می کنند. ما همین حرف ها را آن روز هم می گفتیم. ما آن روز به طور قاطع می گفتیم که شرق و غرب دارند از عراق حمایت می کنند. یک عده کوتاه فکری داخلی حرف ما را انکار می کردند و می گفتند به چه دلیل این طور می گوئید؟ بفرمایید این هم دلیل امروز اسناد حمایت آمریکا از عراق را خود آمریکایی ها دارند افشا می کنند و دارد معلوم می شود که در این چند سال چه کمک های عظیمی به عراق کردند. شرق و غرب با هم، هم دست شدند و این جنگ را به راه انداختند و مملکت را ویران کردند. بعد از سال ها ویرانگری توسط حکام فاسد پهلوی و قاجار و بعد از چند سال ویرانگری جنگ، حالا دولت جمهوری اسلامی به کمک مردم و کارگزاران و متخصصین و کاردان ها می خواهند این کشور را بسازند. معلوم است که این کار یک روز و دو روز و یک سال و دو سال نیست. این همه مراکز مادی از بین رفته، این همه امکان اشتغال نابود شده، این ها چیزی نیست که ظرف مدت کوتاهی ترمیم شود. سازندگی یک مجاهدت و یک جهاد فی سبیل الله است. هر کسی که در این مجاهدت شرکت بکند جهاد و خدمت کرده و در راه اداره و حفظ جامعه اسلامی که یک واجب بزرگ است گام برداشته است و این خیلی کار بزرگی است. سازندگی یک مسأله است و مادی گری، ماده پرستی و دنیا طلبی مسأله دیگری است. سازندگی همان کاری بود که علی بن ابی طالب (ع) می کرد که تا قبل از خلافت ادامه داشت (حتی شاید در دوران خلافت هم انجام می شد که البته من تردید دارم). آن بزرگوار با دست خودش نخلستان آباد می کرد، زمین احیا می کرد، درخت می کاشت، چاه می کند و آبیاری می کرد. این سازندگی است. دنیا طلبی و ماده طلبی کاری است که عبیدالله بن زیاد و یزید می کردند. چه وقت آن ها چیزی را به وجود می آوردند و می ساختند؟ آن ها فانی می کردند، می خوردند و تجملات را زیاد می کردند. این دو تا را نباید با هم اشتباه کرد. امروز یک عده به نام سازندگی خودشان را غرق در پول و دنیا و ماده پرستی می کنند. آیا این سازندگی است؟

شیخون فرهنگی دشمن

آن چه که جامعه ما را فاسد می کند، غرق شدن در شهوات و از دست دادن روح تقوا و فداکاری است. بسیجی باید در وسط میدان باشد تا فضیلت های اصلی انقلاب زنده بماند. دشمن از راه اشاعه فرهنگ غلط، فساد و فحشا سعی می کند جوان های ما را از دست ما بگیرد. کاری که از لحاظ فرهنگی دشمن می کند نه تنها یک تهاجم فرهنگی بلکه باید گفت یک شیخون فرهنگی، یک غارت فرهنگی و یک قتل عام فرهنگی است. امروز دشمن دارد این کار را با ما می کند. چه کسی می تواند از این فضیلت ها دفاع

کند؟ آن جوان مؤمنی که دل به دنیا و منافع شخصی نبسته است. او می تواند بایستد و از فضیلت ها دفاع بکند. کسی که خودش آلوده و گرفتار است نمی تواند از فضیلت ها دفاع بکند. این جوان با اخلاص است که می تواند از انقلاب، اسلام و فضایل و ارزش های اسلامی دفاع کند.

همه باید امر به معروف و نهی از منکر بکنند

لذا بنده چندی پیش گفتم همه باید امر به معروف و نهی از منکر بکنند. الآن هم عرض می کنم. نهی از منکر کنید. این واجب است. امروز امر به معروف و نهی از منکر، هم مسؤولیت شرعی و هم مسؤولیت انقلابی و سیاسی شماست. به من نامه می نویسند، بعضی تلفن می کنند و می گویند ما نهی از منکر می کنیم اما مأمورین رسمی طرف ما را نمی گیرند. طرف فرد مقابل را می گیرند. من عرض می کنم مأمورین رسمی چه مأمورین انتظامی و چه مأمورین قضایی حق ندارند از مجرم دفاع بکنند. مأمورین باید از آمر و ناهی شرعی دفاع کنند. دستگاه حکومت ما باید از آمر به معروف و ناهی از منکر دفاع بکند، این وظیفه است. اگر کسی نماز بخواند و کسی دیگر به نماز گزار حمله کند، دستگاه های ما باید از چه کسی دفاع کنند؟ از نماز گزار یا آن کسی که سجاده را از زیر پای نماز گزار می کشد؟ امر به معروف و نهی از منکر هم همین طور است. امر به معروف هم مثل نماز واجب است. حضرت امیر (ع) در نهج البلاغه می فرماید: (وما أعمال البرِّ کلُّها والجهادُ فی سبیل الله عند الأمر بالمعروف والنهی عن المنکر (کَنْفَتْهُ فی بحرِ لُجْیِّ)). [۲] یعنی اگر امر به معروف و نهی از منکر در مقیاس وسیع و عمومی انجام شود، حتی از جهاد بالاتر است. پایه دین را امر به معروف و نهی از منکر محکم می کند. اساس جهاد را امر به معروف و نهی از منکر استوار می کند. مگر مسؤولین و مأمورین ما می توانند امر به معروف و ناهی از منکر را با دیگران مساوی قرار بدهند چه برسد به این که نقطه مقابل او را تأیید بکنند؟ البته جوان حزب الله باید باهوش باشد، چشم هایش را باز کند، نگذارد کسی در صفوف او رخنه کند و به نام امر به معروف و نهی از منکر فساد ایجاد بکند که چهره حزب الله خراب بشود. باید مواظب باشید. این به عهده خودتان است. من یقین دارم و تجربه های چند ساله هم نشان داده که وقتی نیروهای مؤمن و حزب اللهی برای انجام کاری به میدان می آیند یک عده عناصر بدلی و دروغین با نام این ها در گوشه ای فساد ایجاد می کنند تا ذهن مسؤولین را نسبت به نیروهای مؤمن و حزب اللهی و مردمی چرکین و بد کنند. مواظب باشید. مسأله امر به معروف و نهی از منکر مثل مسأله نماز یاد گرفتنی است و شما باید بروید و مسایل آن را یاد بگیرید. در هر مورد این که در کجا و چگونه باید امر به معروف و نهی از منکر کرد، مسایلی وجود دارد. البته من عرض بکنم، قبلاً هم گفته ام که در جامعه اسلامی تکلیف عامه مردم امر به معروف و نهی از منکر با لسان است اما اگر کار به برخورد بکشد، آن دیگر به عهده مسؤولین است که باید وارد بشوند و آن ها این کار را بکنند. البته نقش مهم تر را هم، همین زبان دارد. چیزی که جامعه را اصلاح می کند نهی از منکر زبانی است. اگر مردم به آدم بدکار، خلافکار، کسی که اشاعه فحشا می کند و می خواهد قبح گناه را از جامعه ببرد، بگویند ده، صد یا هزار نفر و به طور کلی افکار عمومی جامعه روی وجود و ذهن او سنگینی کند، این برای او شکننده ترین چیزهاست.

حضور نیروهای حزب اللهی و بسیجی در صحنه

اگر نیروهای مؤمن، بسیجی و حزب اللهی یعنی همین عامه مردم مؤمن، همین اکثریت عظیم کشور عزیزما، همین هایی که جنگ را اداره کردند، همین هایی که از اول انقلاب تا به حال با همه حوادث مقابله کردند، نبودند و اگر بسیج و نیروی عظیم حزب الله نبود، ما هم در جنگ و هم در مقابل دشمنان گوناگون در این چند سال شکست می خوردیم. ما آسیب پذیر بودیم. وقتی که کارخانه های ما را می خواستند به تعطیلی بکشاند، نیروی حزب اللهی از داخل کارخانه بر سینه شان می زد. وقتی مزرعه ما را در اوایل

انقلاب می خواستند آتش بزنند، نیروی حزب اللهی از همان وسط بیابان ها و روستاها و مزارع توی دهانشان می زد. اگر خیابان ها را می خواستند به اغتشاش بکشند نیروی حزب اللهی می آمد در مقابلشان سینه سپر می کرد. در جنگ هم که معلوم است. این است آن نیروی اصلی این کشور، و نظام اسلامی متکی به این نیرو است. اگر مردم یعنی همین نیروهای مؤمن و حزب اللهی با نظام و دولت باشند (که بحمدالله هستند) هیچ دشمنی نمی تواند کاری از پیش ببرد. اگر این نیروی عظیم و شکست ناپذیر مردمی در کنار و پشت سر مسئولین باشد (که بحمدالله هست) هیچ قدرتی نمی تواند با جمهوری اسلامی مقابله بکند. دشمنان ما از این نیرو می ترسند، مدتی است که بلند گویهای آمریکایی و صهیونیستی در تبلیغات جهانی دارند جمهوری اسلامی ایران را به نظامی گری و افزایش سلاح متهم می کنند. می گویند جمهوری اسلامی دارد سلاح های کشتار جمعی و اتمی درست می کند و از فلان جا کلاهک اتمی آورده اند! این ها حرف هایی است که اگر هر عاقلی در دنیا تأمل کند می فهمد دروغ است. آیا بمب اتم چیزی است که بتوان آن را بی سر و صدا از کشوری به کشور دیگر منتقل کرد؟ خود آن ها می فهمند که دروغ است ولی شایعه درست می کنند برای این که چهره نظام اسلامی را به نحوی معرفی کنند که گویی با صلح و استقرار آن در دنیا مخالف است. یکی از تلاش های خباثت آمیز آمریکا علیه جمهوری اسلامی همین است. من عرض می کنم شما اشتباه کردید که خیال کردید قدرت جمهوری اسلامی در این است که بمب اتمی فراهم بکند یا در داخل بسازد. قدرت ما این ها نیست. اگر قدرت ما این بود که جمهوری اسلامی مثلاً یک بمب اتمی درست بکند، صدها مثل آن را کشورهای بزرگ دارند. اگر کسی می توانست با بمب اتمی بر دیگران پیروز بشود، آمریکا و شوروی سابق و بقیه قدرت های خبیث دنیا باید تا حالا صد بار جمهوری اسلامی را از بین برده بودند. چیزی که به یک نظام قدرت می دهد بمب اتمی نیست. قدرت نظام اسلامی که آمریکا و شوروی سابق و بقیه قدرت های ریز و درشت عالم تا امروز نتوانسته اند و نخواهند توانست با او مقابله کنند، قدرت ایمان نیروهای حزب الله است. جمهوری اسلامی باید این نیرو و این قدرت عظیم را حفظ کند. شما جوان ها باید دایم در صحنه باشید. باید به طور دایم نشان بدهید که جمهوری اسلامی آسیب ناپذیر است. نیروی مؤمن و بسیج و نیروهای حزب الله در سراسر کشور و همه آحاد مؤمن در این کشور باید کاری بکنند که امید آمریکا و صهیونیست ها و بقیه قدرت های دشمن از جمهوری اسلامی به کلی قطع شود. خداوند ان شاء الله شما جوان های مؤمن و فداکار و با تقوا را محفوظ بدارد و ان شاء الله قلب مقدس ولی عصر (ارواحنا فداه) از همه شما خشنود باشد و ان شاء الله با قدرت ایمان و حضور شما همه کیدها و توطئه های دشمن خنثی گردد. والسلام علیکم و رحمۃ الله و برکاته

پاورقی

[۱] حجرات (۴۹) آیه ۱۳.

[۲] نهج البلاغه، حکمت ۳۷۴.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:

www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳-۲۳۵۷۰۲۳-(۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور

کاربران (۲۳۳۳۰۴۵)(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبای: ۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۹۰۰ IR
 ۵۳-۰۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید
 ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، اما تو دریچه ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بپدان، نگاه می دارد و با حجت های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می سازد و او را می شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

